Quarterly Journal of Linguistics & Khorasan Dialects, Vol. 15. No.4 /Serial Number.33 (Winter 2024)

DOI: https://doi.org/10.22067/jlkd.2024.86478.1230

Hierarchical Schematicity in the Configuration of Sorani Kurdish Exocentric Compounds based on Booij's Construction Morphology

Kourosh Karimi[1]
PhD Candidate in General Linguistics, Department of Linguistics and Foreign Languages, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran
ORCID: 0000-0003-2564-2950

Arezoo Najafian[2]
Associate Professor in Linguistics, Department of Linguistics and Foreign Languages, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran (Corresponding author)
ORCID:0000-0002-3969-2564

Razieh Mahdi Beyraghdar[3]
Assistant Professor in Linguistics, Department of Linguistics and Foreign Languages, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran
ORCID: 0000-0001-8518-7609

Seyed Mohammad Hosseini-Maasoum[4]
Associate Professor in Linguistics, Department of Linguistics and Foreign Languages, Payame Noor University (PNU), Tehran, Iran
ORCID: 0000-0002-3650-4599

Received: January 19, 2024 **Accepted: March 8, 2024**

Abstract

This study attempted to explore the hierarchical schematic system governing the formation of Sorani Kurdish exocentric nominal compounds to achieve their general meaning making model via the application of analytical-descriptive method based on Booij's (2010) construction morphology framework. In the first phase of data collection, 1400 nominal compounds of *Kurdish-Persian Dictionary* of Hahnbane Burina (Sharafkandi, 1991) and *Persian-Kurdish Dictionary* of university of Kurdistan (2014). Data analysis phase initiated with the identification of exocentric nominal compounds of the corpus by making use of Scalise and Goyura's (2011) hyponymy test

1. Email: k.karimi@student.pnu.ac.ir
2. Email: a.najafian@pnu.ac.ir
3. Email: raziehmahdibeyraghdar@pnu.ac.ir
4. Email: hosseinimasum@pnu.ac.ir

beside the judgement of two author of the study as native speakers of Sorani Kurdish. Finally, 842 instantiations or 60% were found to be exocentric. The results showed that Sorani Kurdish exocentric compounds dominated by one macro-schema, 12 second-order schemas, and 54 sub-schemas. The results can be counted as a proof for the fact that nominal compounds of this type neither in form nor in semantic specifications are in total agreement with constituting elements. In other words, the rupture of motivation and blockage of the relationship between form and meaning is not a general feature among all exocentric compounds, while instantiations of this type cover a wide range of words with less dark meaning to absolutely dark lexical items. Accordingly, some of the nominal compounds did not benefit from formal head while the output constructions fall under "noun" as their parts of speech; thus it is the schemas that are effective both in determination of formal and semantic characteristics manifested in the output.

Keyword: Sorani Kurdish, Construction Morphology, Nominal Compounds, Exocentric, Hierarchical Schematicity

DOI: https://doi.org/10.22067/jlkd.2024.86478.1230

مجلهٔ زبانشناسی و گویش‌های خراسان، شمارهٔ ۳۳، زمستان ۱۴۰۲
مقالهٔ پژوهشی

سلسله‌مراتب طرح‌واره‌ای
در پیکربندی اسم‌های مرکب برون‌مرکز کُردی سورانی در صرف ساختی بوی

کورش کریمی، دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران [۱]
ORCID:0000-0003-2564-2950
آرزو نجفیان، دانشیار زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. (نویسندهٔ مسئول) [۲]
ORCID:0000-0002-3969-2564
راضیه مهدی بیرق‌دار، استادیار زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. [۳]
ORCID: 0000-0001-8518-7609
سید محمد حسینی‌معصوم، دانشیار زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان‌شناسی و زبان‌های خارجی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. [۴]
ORCID: 0000-0002-3650-4599

صص ۱۰۷-۱۳۷

چکیده

جستار حاضر در تلاش است با اتخاذ روش تحلیلی ــ توصیفی و بهره‌گیری از امکانات صرف ساختی بوی (۲۰۱۰) سلسله‌مراتبی طرح‌واره‌ای حاکم بر صورت‌بندی اسم‌های مرکب برون‌مرکز در کردی سورانی را کشف کرده و به مدلی کلی از نظام مفهوم‌ساز ناظر بر آن‌ها دست یابد. در وهلهٔ نخست داده‌های پژوهش شامل ۱۴۰۰ اسم مرکب از فرهنگ‌های کردی- فارسی هه‌نبانه بورینه (شرفکندی، ۱۳۶۹) و فرهنگ فارسی- کردی دانشگاه کردستان (۱۳۹۳) به‌صورت تمام‌شمار استخراج شد. در مرحلهٔ دوم با استفاده از آزمون هسته‌مندی و شمول معنایی اسکالیز و گویورا (۲۰۰۶) و همچنین شمّ زبانی دو تن از نگارندگان به‌عنوان گویشور بومی، ۸۴۲ نمونه‌شدگی، یعنی بالغ بر ۶۰ درصد از کل داده‌ها برون‌مرکز تشخیص داده شدند. سپس با استفاده از ابزار نظری پژوهش و اتکا بر نمونه‌شدگی‌های موردبررسی، یک کلان‌طرح‌واره، ۱۲ طرح‌واره‌های میانی و ۵۴ ریزطرح‌وارهٔ حاکم بر اسم‌های مرکب برون‌مرکز، ترسیم شدند. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد صرف قرارگرفتن واژه ذیل عنوان برون‌مرکز به معنای گسیختگی در انگیزش و انسداد کامل رابطهٔ میان صورت و معنا در تمامی موارد نبوده، بلکه این امر طیفی از ترکیب‌هایی با تیرگی معنایی کمتر

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۹ – تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۸

پست الکترونیکی:
1. k_karimi@student.pnu.ac.ir 2. a.najafian@pnu.ac.ir
3. raziehmahdibeyraghdar@pnu.ac.ir 4. hosseinimasum@pnu.ac.ir

تا ترکیب‌های مطلقاً تیره را در بر می‌گیرد. شایان ذکر است که وجود ترکیب‌های فاقد هستۀ اسمی را می‌توان نشانه‌ای دال بر عدم تأثیرپذیری مقولۀ واژگانی برونداد از سازه‌های مشارکت‌کننده در ساخت به‌حساب آورده و این امر را در قالب تراوش مشخصه‌های طرح‌وارۀ حاکم بر نمونه‌شدگی‌های تحت تسلط تفسیر کرد. به‌بیان‌دیگر یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند طرح‌واره‌ها هم بر تعیین مشخصه‌های صوری ساخت و هم بر تعیین حدود معنایی آن‌ها تأثیرگذار هستند.

کلیدواژه‌ها: ترکیب برون‌مرکز، صرف ساختی، اسم‌های مرکب، کردی سورانی، سلسله‌مراتب طرح‌واره‌ای.

۱- مقدمه

اغلب زبان‌شناسان ترکیب[۱] را فرایندی معرفی می‌کنند که در آن دو واژه[۲] برای خلق کلمه‌ای جدید با همدیگر پیوند می‌یابند. البته به دست دادن تعریفی جامع‌ومانع از ترکیب در عین سادگی واجد پیچیدگی‌های خاصی نیز هست. اسمیت (۲۰۱۴) ترکیب را به سبب تلاقی حوزه‌های نحو، ساختواژه و واج‌شناسی در یک واحد واژگانی از پرچالش‌ترین عرصه‌ها در مطالعات ساختواژی معرفی می‌کند. لذا می‌توان تعریف ترکیب را به لحاظ صوری (کلمۀ حاصل از به هم پیوستن دو واحد واژگانی آزاد) امری سهل و از جنبۀ گوناگونی و تنوع در کاربرد، مفهومی ممتنع معرفی کرد. گذشته از این امر عمومیت و گستردگی کاربرد فرایند ترکیب در ساختواژۀ زبان‌های دنیا تا جایی است که زبان‌شناسان بسیاری همچون (آیخنوالد[۳]، ۲۰۰۷: ۲۴؛ درسلر[۴]، ۲۰۰۶: ۲۳؛ فرامکین و دیگران[۵]، ۱۹۹۶: ۵۴-۵۵ و لیبن[۶]، ۲۰۱۰: ۳۱۸) از آن با عنوان یکی از جهانی‌های زبان[۷] نام می‌برند. البته زبان‌شناسانی همچون اشتکاور[۸]، والریا[۹] و کورتولیسی[۱۰] (۲۰۱۲) این تعمیم کلی را به چالش کشیده و از زبان‌هایی مانند گرینلندی غربی، دیولا فوگنی[۱۱] «زبانی که در کنگو، گامبیا و سنگال بدان تکلم می‌شود» کواکوالا[۱۲] «زبان ناحیۀ واکاشان در شمال آمریکا» و همچنین کاراوو[۱۳] «در منطقۀ اقیانوسیه» به‌عنوان زبان‌های فاقد ساخت مرکب نام می‌برند.

1. compounding
2. Lexeme
3. Aikhenvald
4. Dressler
5. Fromkin et al.
6. Libben
7. linguistic universal
8. Stekauer
9. Pavol
10. Körtv lyessy
11. Diola Fogny
12. Kwakw'ala
13. Karao

یکی از شاخص‌های اصلی در دسته‌بندی اسم‌های مرکب وجود هستهٔ معنایی[1] در ساخت است که سبب مطرح شدن دوگانهٔ ترکیب‌های درون‌مرکز[2] و برون‌مرکز[3] می‌شود. بدین ترتیب که هرگاه میان واژهٔ مرکب و یکی از سازه‌های مشارکت‌کننده در ساخت رابطهٔ شمول معنایی[4] برقرار باشد، جزء موردنظر هستهٔ معنایی و ترکیبی که در آن تظاهر یافته واژه‌ای درون‌مرکز خواهد بود (باوئر[5]، ۲۰۱۰: ۱۶۷). به‌عبارت‌دیگر ترکیب‌های دارای هستهٔ معنایی، ترکیب‌هایی درون‌مرکز و ساخت‌های فاقد هستهٔ معنایی ترکیب‌های برون‌مرکز قلمداد می‌گردند. لازم به ذکر است که سخن از هسته‌مندی بدینجا ختم نمی‌شود، بلکه هر ترکیب اسمی را می‌توان علاوه‌بر تظاهر هستهٔ معنایی در ساخت از منظر وجود هستهٔ صوری[6] نیز موردبررسی قرار داده و مقولهٔ واژگانی آن را در قالب تراوش[7] مشخصه‌های جزء هسته در کل توضیح داد. برای نمونه بوی (۲۰۰۷ب) در توضیح این نکته از زبان انگلیسی به‌عنوان یک زبان هسته‌پایان چنین استدلال می‌آورد که طبقهٔ واژگانی $[stick]_N$ در ترکیب $[[lip]_N [stick]_N]_N$ به کل واژهٔ مرکب سرایت کرده و به همین سبب هستهٔ صوری ساخت به‌حساب می‌آید؛ اما این کلمه حتی با وجود داشتن هستهٔ صوری نیز ترکیبی برون‌مرکز است؛ چراکه معنای مستفید از ترکیب را نمی‌توان زیرشمول[8] هستهٔ صوری یا $[stick]_N$ قلمداد کرد؛ اما در دیگر دست ترکیب $[[arm]_N [chair]_N]_N$ ساختی درون‌مرکز محسوب می‌شود چون‌که هستهٔ صوری همان هستهٔ معنایی ساخت بوده و armchair (صندلی دسته‌دار) هم از طبقهٔ اسم و هم نوعی chair (صندلی) است. به همین سبب وی هسته‌مندی ساخت مرکب را محدود به مطابقت مشخصه‌های صوری نمی‌داند بلکه برای تشخیص واژهٔ هسته استفاده از مشخصه‌های معنایی را در اولویت قرار می‌دهد. با این توضیح از دیدگاه بوی ترکیبی که هستهٔ صوری و معناییش یکی باشد درون‌مرکز و در غیر این صورت ترکیب از نوع برون‌مرکز خواهد بود (همان: ۷۷).

البته شایان ذکر است درون‌مرکز یا برون‌مرکز بودن ناشی از هسته‌مندی ترکیب صرفاً بر دسته‌بندی این گروه از کلمات پیچیده تأثیرگذار نبوده و این دوگانگی در عرصه‌های دیگری همچون فراوانی پژوهش‌های انجام گرفته نیز مشهود است. برای نمونه با نگاهی به کمیت پژوهش‌های ساختواژی در رابطه با واژه‌های مرکب می‌توان به‌روشنی دریافت اغلب این آثار با محوریت ترکیب‌های درون‌مرکز انجام گرفته درحالی‌که ترکیب‌های برون‌مرکز نادیده گرفته شده و تلاش چندانی برای تحلیل و دسته‌بندی آن‌ها به انجام نرسیده است. درسلر[9] علت اقبال کمتر به بررسی

1. semantic head
2. endocentrics
3. exocentrics
4. hyponymy
5. Bauer
6. formal head
7. perculation
8. Hyponymy
9. Dressler

ساختواژی این گروه از ترکیب‌ها را ناشی از کم‌تعداد بودن آن‌ها نسبت به واژگان درون‌مرکز می‌داند. نکتهٔ جالب‌توجه این‌که حتی در منابع شناختی نظیر هماوند[1] (۲۰۱۱) نیز با وجود پیشینهٔ مطالعاتی غنی در خصوص تحلیل اسم‌های مرکب، از بررسی کلمات برون‌مرکز چشم پوشی شده است. این نادیده‌انگاری تا جایی است که اسکالیز و گویوارا (۲۰۰۶) از آن با عنوان قلمرو ناشناختهٔ در بررسی واژه‌های حاصل از فرایند ترکیب نام می‌برند (همان: ۱۸۵).

در اینجا بایستی خاطرنشان کرد یکی از عمده‌ترین دلایل مهجور ماندن تحلیل اسم‌های مرکب برون‌مرکز می‌تواند ناشی از این تلقی باشد که بسامد آن‌ها در مقایسه با نمونه‌شدگی‌های[2] درون‌مرکز به‌مراتب کمتر است. حال آن‌که در بررسی‌های اولیه پژوهش حاضر مشخص شد این امر در رابطه با برخی زبان‌ها ازجمله کردی سورانی صادق نیست. بدین ترتیب که از مجموع ۱۴۰۰ اسم مرکب بازشناسی شده در این گویش، تعداد ۸۴۲ نمونه‌شدگی یعنی بالغ بر ۶۰ درصد از کل داده‌ها برون‌مرکز بوده و تنها ۴۰ درصد باقی‌مانده در دستهٔ اسم‌های مرکب درون‌مرکز جای دارند. با این توضیح هدف اصلی از جستار حاضر گشودن فصلی نوین در توصیف الگوهای ترکیب، تفسیر روابط معنایی میان اجزاء و درنهایت ارائهٔ دسته‌بندی مستدلی از اسم‌های مرکب برون‌مرکز در کردی سورانی با بهره‌گیری از آموزه‌های صرف ساختی هست؛ به‌عبارت‌دیگر در صورت دست‌یابی به این اهداف می‌توان از آن‌ها در دست‌یابی به نظام طرح‌واره‌ای حاکم بر اسم‌های مرکب برون‌مرکز و بازنمایی سلسله‌مراتب واژگانی[3] نزد گویشور کردی سورانی بهره برد.

البته همان‌گونه که پیشتر نیز اشاره شد گونهٔ موردبررسی در این پژوهش گویش سورانی از زبان کردی است. لازم به ذکر است که در رابطه با گویش‌های زبان کردی دسته‌بندی‌های متنوعی ارائه شده است که ازجمله پراستنادترین آن‌ها می‌توان به دسته‌بندی بلو[4] (۲۰۰۰) اشاره کرد. بلو قائل به سه شاخهٔ گویشی اصلی شمالی، مرکزی و جنوبی برای زبان کردی است. همان‌گونه که پیداست وی در شیوهٔ نامگذاری خود از گسترهٔ جغرافیایی مناطق کردنشین مجاوری که میان مرزهای سیاسی کشورهای ایران، عراق، ترکیه و سوریه قرار دارند بهره گرفته است. بدین ترتیب که به لحاظ توزیع جمعیتی، غالب گویشوران شاخهٔ شمالی (کرمانجی) در نواحی شمالی این منطقه (بخش‌های جنوبی و شرقی کشورهای ترکیه، سوریه و همچنین شمال غرب ایران و شمال کردستان عراق) ساکن هستند، شاخهٔ دوم یا سورانی گویش غالب در نواحی مرکزی مناطق کردنشین یعنی شمال شرقی کشور عراق و بخش عمده‌ای از کردستان ایران محسوب می‌گردد و گروه جنوبی شامل مجموعه گویش‌های کلهری، فیلی، خانقینی و کاکه‌ای است که در

1. Hamavand
2. instantiations
3. hierarchial lexicon
4. Joyce Blau

استان‌های غربی ایران همچون کرمانشاه، ایلام و خانقین در کردستان عراق بدان تکلم می‌شود (همان: ۱-۲).

۲- پیشینهٔ پژوهش

بررسی ساختواژهٔ زبان کردی در چارچوب‌های متنوع و توسط زبان‌شناسان بسیاری به انجام رسیده است. برای نمونه مک‌کاروس[1] (۲۰۰۷) در پژوهشی به تحلیل الگوهای تصریفی و اشتقاقی در ساختواژهٔ زبان کردی سورانی پرداخته است. کاراچان و خالید[2] در مقالهٔ خود به سال (۲۰۱۶) برخی صفت‌ها گویش‌های کرمانجی، سورانی و زازاکی را به لحاظ ساختواژی مورد تجزیه‌وتحلیل قرار داده‌اند. فتاح و هماوند[3] (۲۰۱۴) نیز بر اساس الگوی پیش‌نمونه توضیح مبسوطی را بر پیشوندهای منفی و مثبت این زبان نگاشته‌اند. والتر[4] (۲۰۱۲) نیز در اثری ساخت صرفی نشانگرهای حرکتی شخص در کردی سورانی را موردبررسی قرار داده است. البته سهم تحلیل‌های مبتنی بر صرف ساختی بوی در مطالعهٔ ساختواژهٔ زبان کردی بسیار اندک و محدود به دو مورد ذیل است: دیوانی و قطره (۱۴۰۲) در مقاله‌ای با عنوان «تصریف فعل در کُردی سنندجی در چارچوب ساختواژهٔ ساختی» به تحلیل ساخت‌های تصریفی فعل ساده در زبان کردی پرداخته و بر این عقیده‌اند که طرح‌واره‌های مرتبهٔ دوم قادر به برقراری رابطهٔ میان سازه‌های تصریفی فاقد پایهٔ مشترک و توضیح آن‌ها می‌باشند. کریمی و همکاران (۱۴۰۲) نیز در جستاری با عنوان «بازخوانی مفهوم ترکیب در ساختواژهٔ کردی سورانی: بررسی اسم‌های مرکب درون‌مرکز در صرف ساختی» توانسته‌اند با تحلیل ساختی ۵۵۹ ترکیب درون‌مرکز به یک کلان‌طرح‌واره، سه طرح‌وارهٔ میانی و پنج ریزطرح‌واره دست یابند. ایشان در بخش دیگری از مقاله دلیل عمدهٔ تنوع طرح‌واره‌ای اسم‌های مرکب کردی سورانی را نتیجهٔ عواملی همچون جایگاه آزاد هسته، تنوع طبقهٔ واژگانی سازه‌های مشارکت‌کننده در ساخت و توالی آن‌ها می‌دانند. با این توضیح به سبب کم تعداد بودن شمار پژوهش‌های مبتنی بر صرف ساختی در زبان کردی و به‌واسطهٔ نزدیکی آن با زبان فارسی بخشی با عنوان پژوهش‌های ساختواژی انجام گرفته بر روی زبان فارسی در چارچوب صرف ساختی نیز به این قسمت افزوده شده است.

۲-۱. پژوهش‌های ساختواژی مبتنی بر صرف ساختی در زبان فارسی

البته شمار پژوهش‌های ساختواژی مبتنی بر صرف ساختی در زبان فارسی چه به لحاظ تعداد و چه تنوع، طیف گسترده‌تری را شامل می‌شود. ازجمله این آثار می‌توان به مقاله‌های صفری و نیک نسب (۱۳۹۹)، بامشادی و انصاریان (۱۳۹۹) و عباسی (۱۳۹۶) اشاره کرد که ضمن معرفی مبانی نظری چارچوب موردبحث کارآیی آن را در تحلیل‌های

1. McCarus, E. M.
2. Karacan, H. and Khalid, H. S.
3. Fatah, A., & Hamawand, Z.
4. Walther, G.

ساختواژی به آزمون گذاشته‌اند. علاوه بر این برخی دیگر از پژوهش‌گران همانند رزمدیده و شاهی راویز (۱۴۰۰)، بهرامی‌خورشید و یزدانی‌مقدم (۱۴۰۰)، شاهوردی شهرکی و همکاران (۱۳۹۸) نیز از این رویکرد در تحلیل صورت‌بندی فعل و همچنین بهرامی خورشید و قندی (۱۳۹۹)، عظیم‌دخت و رفیعی (۱۳۹۸) و رفیعی و رضایی (۱۳۹۸) از آن در تحلیل کلمات حاصل از فرایند اشتقاق بهره برده‌اند.

ایمانی و رفیعی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «چندمعنای ترکیبات چشم در زبان فارسی: رویکرد صرف ساختی» به تحلیل الگوهای ساختواژی [چشم – X] و [X – چشم] می‌پردازد. ایشان با توجه به چندمعنایی نهفته در این الگوها به این امر پی برده‌اند که رابطهٔ چندمعنایی‌شدگی سامان‌مندی در این گروه از واژه‌ها برقرار نیست، علاوه براین ایشان با بررسی درزمانی ترکیب‌های حاوی جزء چشم در متون فارسی دریافته‌اند که در تظاهر هر دو گونهٔ موردبحث هیچ تقدم و تأخر زمانی برقرار نیست.

ایمانی و رفیعی (۱۳۹۸) در مقالهٔ دیگری با عنوان «تحلیلی ساخت محور از ترکیبات نام‌اندام «سر» در زبان فارسی» ضمن بازشناسی ۱۷۸ ترکیب با الگوی واژه‌سازی [sar-X]، آن‌ها را در چهار مقولهٔ معنایی ازجمله «صفت عاملی»، «صفت ساده»، «اسم شغل» و «اسم غیر شغل» طبقه‌بندی کرده و درنهایت به این امر اشاره دارند که در اکثر این ساخت‌ها جزء «سر» در معنایی به‌غیر از معنی واقعی خود به‌مثابه (بالاترین عضو بدن) قرار گرفته و بیشتر مراد از آن معنای مجازی و استعاری است.

عظیم دخت و همکاران (۱۳۹۷) با بررسی تنوع‌های معنایی واژه‌های مرکب مختوم به ستاک حال «یاب» در پیکره‌های درزمانی و همزمانی به زبان فارسی دریافته‌اند که تمامی واژه‌های حاصل از درج پسوند موردنظر در دو مقولهٔ واژگانی صفت و اسم قابل دسته‌بندی بوده و بیشترین فراوانی واژه‌های دارای جزء «یاب» در زبان فارسی به کلماتی مربوط می‌شود که در آن‌ها [ستاک حال– «یاب»] حضور دارد. در دیگر دست شکل‌گیری دو مفهوم عامل و ابزار در زبان فارسی را می‌توان تا حد زیادی متأثر از ترجمه قرضی واژه‌های زبان انگلیسی دانست. در نگاهی کلی‌تر اما می‌توان چنین استنباط کرد که تظاهر طبقهٔ معنایی «شخص» و «ابزار» حاصل حذف هستار انسانی یا شیء است که بدان کار گماشته شده، در نتیجه اغلب این کلمات به «شخص انجام دهنده عمل مورداشاره در مفهوم جزء اول و یا ابزار مرتبط با آن» دلالت دارند.

ایمانی و همکاران (۱۳۹۷) در مقالهٔ «تحلیلی ساخت محور از ترکیب‌های نام اندام «دل» در زبان فارسی» با هدف بررسی ساخت‌های [دل -X] در چارچوب صرف ساختی بوی (۲۰۱۰) به تحلیل الگوی واژه‌سازی، تنوع

معنایی و طرح‌واره‌های ناظر بر این گروه از واژگان پرداخته‌اند و درنهایت یک طرح‌وارهٔ ساختی عمومی و سه زیرطرح‌واره فرعی را معرفی می‌کنند. ایشان ضمن معرفی طرح‌واره‌ها بر این امر تأکید دارند که الگوی [دل -X] در اصل ساختی صفت‌ساز (ویژگی ساز) و چندمنظوره بوده و کاربرد برخی محصولات آن در مقولهٔ اسم به‌واسطهٔ فرآیند تبدیل به وقوع پیوسته است.

۲-۲. چارچوب نظری پژوهش

مفهوم ساخت جزو مفاهیم سنتی در زبان‌شناسی نظری تلقی می‌گردد که اخیراً در قالب نظریهٔ دستور ساختی[1] دوباره موردتوجه قرار گرفته است. مفهوم ساخت در این دستور به تأسی از نشانه در سنت سوسوری به‌مثابه جفت‌شدگی[2] صورت و معنا در نظر گرفته می‌شود؛ با این تفاوت که در دستور ساختی نشانه طیف وسیع‌تری از کلمات را در بر گرفته و شامل تمامی واحدهای معنامند واژگانی و نحوی با درجات متفاوتی از پیچیدگی می‌شود (گلدبرگ، ۲۰۰۹). در واقع صرف ساختی را می‌توان به‌روشنی در زمرهٔ نحله‌های وامدار از زبان‌شناسی شناختی به‌حساب آورد که در آن طرح‌واره‌ها به‌مثابه بازنمایی انتزاعی واحدهای ساختواژی نقش کلیدی را در تحلیل بر عهده دارند. علاوه بر این از دیگر فصول مشترک میان دستورهای شناختی و دستور ساختی می‌توان باورمندی به معنا و هویت مستقل ساخت صرف‌نظر از اجزاء تشکیل‌دهندهٔ آن‌ها اشاره کرد. در واقع صرف ساختی در تلاش است تا با اتکا بر طرح‌واره‌های انتزاعی به تبیین معنایی و تعمیم‌های پیش‌بینی پذیر دست یابد. همین عامل سبب شده که در این رویکرد نتوان مرز مشخصی میان ساخت نحوی و ساخت‌های صرفی و همچنین اشتقاق و ترکیب ترسیم کرد (ر. ک بوی، ۲۰۰۹: ۱۷).

- صرف ساختی

صرف ساختی[3] از جملهٔ رویکردهای واژه‌بنیاد به ساختواژه محسوب می‌گردد که در آن هر کلمهٔ پیچیده یک ساخت در نظر گرفته شده و مانند دو روی یک سکه متشکل از صورت واجی[4] و مشخصه‌های واژی-نحوی[5] است؛ به‌عبارت‌دیگر در این رویکرد می‌توان صرف را دستور زبان واژگان نامید؛ چراکه در بطن هر واحد واژگانی[6] مجموعه‌ای از اطلاعات وا(جی)، نحو(ی) و م(عنایی) «**وانحوم**» قرار داد (بوی، ۲۰۱۰: ۵). از دیگر ویژگی‌های که

1. Construction Grammar/ CxG
2. pairing
3. Construction Morphology
4. phonological form
5. morphosyntactic features
6. lexical unit

صرف ساختی را به‌عنوان چارچوبی شناخت‌بنیان از رویکردهای دیگر متمایز می‌دارد قائل بودن به مدخل انباشته[1] برای واژگان ذهنی در نزد اهل زبان است. رفیعی و ترابی (۱۳۹۳) به نقل از بوی: ۲۰۱۳) حافظهٔ واژگانی گویشور را آن‌چنان وسیع می‌دانند که نیازمند به حذف هیچ بخشی از واژه جهت در اختیار قرار دادن فضای کافی برای به خاطرسپاری کلمات دیگر نیست. با این تلقی، در واژگان ذهنی[2] علاوه بر صورت کلمات تمامی مشخصه‌های واژی-نحوی نیز ثبت می‌گردد (همان: ۵۳). در واقع طرح‌واره‌ها الگوهای ساختواژی کلی هستند که بر تمامی واژگان پیچیدهٔ موجود حاکمیت داشته و حتی می‌توانند به‌عنوان الگوی عملی در خلق نوواژه‌ها نیز قرار گیرند. بوی، فرآیندهای ساختواژی در این رهیافت را همان طرح‌واره‌هایی می‌داند که به‌صورت استقرایی در ذهن زبان‌آموز شکل گرفته‌اند؛ به‌عبارت‌دیگر صرف ساختی برخلاف نحله‌های کلاسیک در این حوزه به جای قواعد ساختواژی از طرح‌واره‌ها برای به عینیت درآوردن روابط انتزاعی نظام‌مند میان صورت و معنای کلمات پیچیده بهره می‌گیرد (بوی، ۲۰۰۷: ۳۴).

- جایگاه طرح‌واره‌ها در تحلیل‌های ساختی

صرف ساختی برخلاف مدل‌های قاعده بنیاد شرط لازم برای ورود به تحلیل کلمه‌های پیچیده را صرفاً منوط به بازشناسی جزء هسته نمی‌داند. در این رویکرد ساخت بیش و پیش از هر چیز تحت تأثیر طرح‌وارهٔ حاکم بر خود قرار دارد. به‌بیان‌دیگر صرف ساختی به جای استفاده از قواعد ساختواژی سعی دارد تا با استفاده از طرح‌واره‌ها و با تکیه بر واژه‌های موجود در زبان به بازنمایی صحیحی از مطابقت نظام‌مند میان صورت و معنا دست یابد (بوی، ۲۰۰۷: ۳۴). برای نمونه طرح‌وارهٔ شماره (۱) فارغ از ویژگی‌های صوری و معنایی هسته قابلیت تعمیم به تمامی اسم‌های مرکب در زبان هسته‌پایان[3] مفروض «**Z**» را داراست. لازم به ذکر است متغیر X در این طرح‌واره نمایندهٔ مقوله‌های واژگانی اصلی مانند اسم، فعل، صفت بوده و هرکدام از متغیرهای a و b نیز نشان‌گر توالی‌های واجی یا صورت بیانی کلمه می‌باشد.

(1) **$[[a]_{Xi}\ [b]_{Nj}]_{Nj} \leftrightarrow$ [SEM$_j$ with the relation R to SEM$_i$]$_j$**

همچنین در این انگاره هرکدام از نمایه‌های[4] i، j و k شاخص‌های واجی، نحوی و معنایی سازه‌های مشارکت‌کننده در ساخت می‌باشند. معنای کلی ترکیب نیز در سمت راست پیکان دوسر درج شده و **R** بیان‌گر رابطهٔ معنایی میان هردو سازه و تفسیر آن متأثر از اجزاء مشارکت‌کننده، دانش دایره‌المعارفی و بافت گفتمانی است. شایان

1. Full Entry Theory
2. lexicon
3. right head
4. index

ذکر است که در طرح‌وارۀ بالا بازنمایی مطابقت مشخصه‌های نقشی مانند صورت تصریفی، جنس (اگر که در زبان موجود باشد) و شمول معنایی با جزء هسته و در پی آن درون‌مرکز بودن ساخت مرکب موردبررسی به‌واسطۀ هم‌نمایگی این دو نشان داده شده است (بوی، ۲۰۱۰: ۱۷).

- ترکیب‌های برون‌مرکز در صرف ساختی

بوی (۲۰۰۲) اسم‌های مرکب برون‌مرکز را شعبه‌ای از ترکیب‌های درون‌مرکز معرفی می‌کند که یکی از اجزاء آن حذف شده اما در واقع معنای جزء غایب به‌صورت مستتر در ساخت کدگذاری می‌شود. این ویژه بودن از لحاظ معنایی در قالب رابطۀ مجاز (در یک لایۀ معنایی نهان) یعنی بیان قسمتی از یک ماهیت برای اشاره به کل قابل توضیح است (همان: ۴۳)؛ بنابراین صرف ساختی با تکیه بر این تلقی امکان ترسیم طرح‌واره و توضیح روابط معنایی موجود میان سازه‌های مشارکت‌کننده برای ساخت‌های برون‌مرکز را با قائل شدن به جزء محذوف یا فراترکیب[1] فراهم می‌آورد. با این توضیح می‌توان اسم‌های برون‌مرکز را در صرف ساختی با استفاده از طرح‌وارۀ شمارۀ (۲) توصیف و تفسیر کرد.

(2) $[[X]_{Ai}\ [Y]_{Bj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM\ ([SEM_i \mid SEM_j])]_k$ (آپا، ۲۰۱۷: ۱۵۴)

بدین ترتیب در بازنمایی معنایی (سمت راست پیکان دوسر ↔) می‌بینیم که SEM بدون نمایۀ داخل [قلاب] ضمن قرار گرفتن در طبقۀ اسم با هیچ‌کدام از اجزاء حاضر در بازنمایی صوری هم‌نمایه نیست؛ یعنی در واقع SEM همان جزئی است که به‌واسطۀ رابطۀ مجاز حذف شده، اما معنای آن در لایۀ بیرونی از ساخت به قوت خود باقی است و به همین سبب از آن با عنوان جزء فراترکیب نام برده می‌شود. نکتۀ دیگر جای دادن سازه‌های دارای تظاهر واجی در ساخت داخل کمانک و با درج علامت (|) حائل در میانشان، حاکی از این است که جزء فراترکیب به‌صورت اختیاری می‌تواند با هریک از سازه‌ها یا هر دو دارای پیوند معنایی باشد. البته حالت دیگر عدم دسترسی جزء فراترکیب به داخل ساخت است که در این صورت می‌توان گفت ساخت در تیره‌ترین انتهای طیف معنایی قرار دارد (همان).

- معیار تشخیص نوع ترکیب

همان‌گونه که پیشتر گفته شد فصل ممیز اسم‌های مرکب درون‌مرکز و برون‌مرکز هسته‌مندی ترکیب است. به عقیدۀ کاتامبا (۱۹۹۳) تمامی واژه‌های مرکب به لحاظ صوری هسته‌مند تلقی می‌گردند؛ لذا بر این اساس هر واژۀ مرکب دارای یک هستۀ صوری و یک جزء وابسته/ توصیفگر[2] خواهد بود. هستۀ صوری واژۀ مرکب سازه‌ای است که

1. Extra Composition Element

2. modifier

ویژگی‌های نحوی خود مانند طبقۀ واژگانی و قالب زیرمقوله‌ای[1] خود را به کل ساخت تسری می‌دهد. هرچند که این یک قاعده مطلق نبوده و در برخی موارد نقض می‌گردد حال آنکه هستۀ معنایی سازه‌ایست که اطلاعات مفهومی‌اش در ساخت منتشر شده و ترکیب حاصل در طبقۀ واژه‌های مترادف[2] یا یکی از زیرشمول‌های[3] هسته قرار می‌گیرد (اسکالیز و گویورا، ۲۰۰۶: ۱۱۲-۱۱۱).

البته شرایط همیشه بدین منوال نیست و گاه یکی از اجزاء مشارکت‌کننده در ساخت قابلیت ایفای نقش هستۀ صوری، معنایی یا هردو را به‌صورت همزمان داراست؛ بنابراین برای مشخص شدن هستۀ ساخت آزمون‌هایی در نظر گرفته شده است. یکی از این آزمون‌ها که در جهت تشخیص انواع هسته (هستۀ صوری و هستۀ معنایی) از آن استفاده می‌شود و در پژوهش حاضر نیز بکار گرفته شده بستۀ پیشنهادی اسکالیز و گویورا (۲۰۰۶) است. بدین ترتیب که با استفاده از معیارهای زیر عضوی از ترکیب که شرط حاضر در معیار را برآورده سازد می‌تواند به‌عنوان هستۀ ساخت معرفی گردد:

- معیار صوری: همسانی مقولۀ واژگانی مانند (اسم، فعل، صفت و غیره)، حالت، جنس، شمار.
- معیار معناشناختی: برآورده شدن شرط ___ یک ___ است[4]/ شمول معنایی[5].
- معیار گزینش هسته/ جزء تشکیل‌دهنده – جزئی که سازۀ دیگر را به‌عنوان موضوع خود برمی‌گزیند.

در غیر این صورت ترکیبی که فاقد هسته (معنایی) تشخیص داده شود در گروه ترکیب‌های برون‌مرکز قرار می‌گیرد (همان: ۱۹۰)؛ به‌عبارت‌دیگر این آزمون ماهیتی سلبی را در ذات خود دارد، بدین معنی که ترکیب برون‌مرکز ساختی است که فاقد هستۀ معنایی باشد. البته همان‌گونه که پیشتر نیز گفته شد در این پژوهش علاوه‌بر معیارهای نظری ارائه شده در تشخیص نوع ترکیب به پیروی از سنت دیرپایی که در زبان‌شناسی وجود داشته، از شم زبانی گویشور بومی (دو تن از نگارندگان) نیز بهره گرفته شده است.

۳- روش پژوهش

مقالۀ پیش روی پژوهشی است توصیفی- تحلیلی بر مبنای چارچوب صرف ساختی بوی (۲۰۱۰) که در دو مرحله و با تکیه بر داده‌های مستخرج از فرهنگ‌های کردی - فارسی هه‌نبانه بورینه عبدالرحمن شرفکندی (۱۳۶۹) و فرهنگ فارسی - کردی سه‌جلدی دانشگاه کردستان (۱۳۹۳) به‌صورت تمام‌شمار انجام شده است. در مرحلۀ نخست

1. subcategorization frame
2. synonym
3. hyponymy
4. IS_____ A
5. the IS A condition (hyponymy)

(گردآوری داده‌های پژوهش) ۱۴۰۰ اسم مرکب بازشناسی و با استفاده از آزمون شمول معنایی اسکالیز و گویورا (۲۰۰۶) و همچنین شمّ زبانی دو تن از نگارندگان به‌عنوان گویشور بومی، تعداد ۸۴۲ نمونه‌شدگی یعنی بالغ بر ۶۰ درصد از کل داده‌ها ترکیب اسمی برون‌مرکز تشخیص داده شدند. در بخش تجزیه‌وتحلیل و به‌منظور دستیابی به نظام طرح‌واره‌ای و الگوی پیکربندی صوری حاکم بر ترکیب‌های موردبررسی ابتدا سازه‌های مشارکت‌کننده در هر ساخت مقوله‌بندی و بر همین اساس در صفحات گستردهٔ جداگانه به تفکیک درج گشته و در گام بعدی حوزه‌های مفهومی هرکدام با توجه به معنای ارجاعی آن مشخص شد. درنهایت با در نظر گرفتن اصل قابلیت تعمیم‌پذیری به کل نمونه‌شدگی‌های تحت حاکمیت، ابتدا کلان طرح‌واره سپس طرح‌واره‌های میانی و درنهایت ریزطرح‌واره‌های ناظر بر داده‌های موردبررسی ترسیم گشت.

۴- یافته‌های پژوهش

در بخش حاضر ابتدا تمامی ۸۴۲ ترکیب برون‌مرکز کردی سورانی به لحاظ مقولهٔ واژگانی اجزاء مشارکت‌کننده در ساخت موردبررسی قرار گرفته و بر این اساس دسته‌بندی شدند. درنهایت مشخص شد یکی از ویژگی‌های ساخت مرکب اسمی در زبان کردی سورانی محدودیت طبقهٔ واژگانی اجزاء مشارکت‌کننده در آن‌هاست، بدین ترتیب که کل داده‌ها را می‌توان در هفت الگوی متنوع، با بسامد متغیر و به ترتیبی است که در جدول شمارهٔ (۱) آمده توزیع کرد.

جدول ۱- بازنمایی الگوهای واژگانی سازه‌های مشارکت‌کننده در اسم‌های مرکب برون‌مرکز کردی سورانی به ترتیب فراوانی

ردیف	الگوی واژگانی	بسامد	ردیف	الگوی واژگانی	بسامد
۱	[اسم-فعل]اسم	۳۹۵	۵	[صفت-اسم]اسم	۵۹
۲	[اسم-اسم]اسم	۱۶۵	۶	[قید-فعل]اسم	۱۴
۳	اسم[اسم-صفت]	۱۲۷	۷	اسم[صفت- صفت]	۱۳
۴	اسم[حرف اضافه- اسم]	۶۹	-	مجموع کل	۸۴۲

در دیگر قسمت با مدنظر قراردادن وجود یا عدم حضور هستهٔ صوری (جزء اسمی) در ساخت، الگوهای هفتگانهٔ مورد اشاره (جدول ۱) بالا در قالب دو طبقهٔ اصلی به شرح ذیل دسته‌بندی شدند:

الف: اسم‌های مرکب برون‌مرکز دارای هستهٔ صوری

ب: اسم‌های مرکب برون‌مرکز فاقد هستهٔ صوری

بدین ترتیب با توجه به داده‌های پژوهش و دسته‌بندی آن‌ها از هفت الگوی ترکیب مذکور در جدول شماره (۱) پنج توالی در گروه «الف» و دو توالی ذیل گروه «ب» قرار گرفتند. شایان ذکر است که با توجه به مشخصهٔ ذاتی روند بالا به پایین[1] پژوهش‌های ساختی، در گام اول ابتدا کلان طرح‌واره سپس طرح‌واره‌های میانی و درنهایت ریزطرح‌واره‌های حاکم بر نمونه‌شدگی‌های موردبررسی ترسیم شد. همان‌گونه که انتظار می‌رفت کلان‌طرح‌وارهٔ درج شده در رأس سلسله‌مراتب به سبب الزام به بهره‌مندی از فراگیرترین پوشش ممکن و بیشترین سطح تعمیم‌پذیری صرفاً دربردارندهٔ یک صورت بازنمایی بود. متعاقباً مراتب پایین‌تر نیز به سبب تخصیص‌یافتگی بیشتر نسبت به سطوح فوقانی و در روندی افزایشی به ترتیب با برخورداری از ۱۲ طرح‌وارهٔ میانی و ۵۴ ریزطرح‌واره ساختار هرم شکلی را تشکیل دادند؛ به‌عبارت‌دیگر همان‌گونه که مادهٔ اصلی صورت‌بندی کلان‌طرح‌واره پوشش تمامی اشتراکات طرح‌واره‌های تحت حاکمیت خود است؛ لذا در بازنمایی سلسله‌مراتبی شاهد روند کاهشی عمومیت از رأس هرم هستیم که درنهایت منجر به افزایش تعداد طرح‌واره‌های میانی و ریزطرح‌واره‌ها در قاعده می‌گردد.

۴-۱. اسم‌های مرکب برون‌مرکز دارای هستهٔ صوری

منظور از اسم‌های مرکب دارای هستهٔ صوری آن دسته از ترکیب‌هایی است که یک یا هردو جزء مشارکت‌کننده در ساخت آن‌ها متعلق به مقولهٔ واژگانی اسم باشد. با این توضیح داده‌های موردبررسی نشان دادند از مجموع ۸۴۲ نمونه‌شدگی موجود ۸۲۵ مورد با ۵ الگوی ترکیب متفاوت در این زیربخش به شرحی است که در پی می‌آید. البته طبق بررسی‌های انجام گرفته تمامی سطوحی که در قالب دسته‌بندی‌های زیر ارائه خواهد شد تحت حاکمیت کلان طرح‌وارهٔ ذیل (شماره ۳) قرار دارد.

(3) $[[X]_{Ai}\,[Y]_{Bj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM\ ([SEM_i\,|\,SEM_j])]_k$

۴-۱-۱. اسم‌های مرکب برون‌مرکز [اسم - فعل]اسم

همان‌گونه که در آمار ارائه شده در جدول شمارهٔ (۱) نشان داده شد الگوی ترکیب $[[X]_{Ni}\,[Y]_{Vj}]_{Nk}$ به سبب بهره مندی از بیشترین فراوانی در میان دیگر ترکیب‌های هماورد زبان کردی با فراوانی ۳۹۵ نمونه‌شدگی از مجموع ۸۴۲ ترکیب برون‌مرکز یعنی ۴۶/۹۱ درصد از کل داده‌ها را به خود اختصاص داده و در صدر قرار می‌گیرد. با علم بر این امر می‌توان گفت که تمامی اسم‌های مرکب حاصل از الگوی ترکیب فوق در قالب طرح‌وارهٔ شماره (۴) قابل توصیف می‌باشند:

---

1. Top down

(4) $[[X]_{Ni}\ [Y]_{Vj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM\ ([SEM_i\ |\ SEM_j])]_k$

با این توضیح فصل ممیز ریزطرح‌واره‌های منشعب از این کلان‌طرح‌واره ۱۲ حوزهٔ مفهومی (به شرح ستون دوم از جدول شمارهٔ ۲) است. در نتیجه شمار ریزطرح‌واره‌های هر الگو با تعداد مفاهیم عینی یا انتزاعی که جزء فراترکیب برای اشاره به آن‌ها در زبان کدگذاری شده مساوی خواهد بود.

جدول ۲- میان‌طرح‌واره و متغیرهای سطوح ریزطرح‌واره‌ای در اسم‌های مرکب برون مرکز کردی سورانی با الگوی ترکیب اجزاء $[[X]_{Ni}\ [Y]_{Vj}]_{Nk}$

فراوانی	معادل فارسی	برابرنهاد مشارکین	نمونه واژه	SEM	حوزهٔ مفهومی	میان طرح‌واره
۲۱۷	خیاط	dress.LNK-swing	barg.a-dʊr	PERSON	حوزهٔ اشخاص و امور مربوط به شخص	$[[X]_{Ni}\ [Y]_{Vj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM\ ([SEM_i\ \|\ SEM_j])]_k$
۶۵	ماشین لباس‌شویی	Clothes – wash	dʒəl-ʃʊr	OBJECTS	اشیاء	
۳۲	دارکوب	tree-hit	dɑr-kʊt	CREATURES	مخلوقات: حیوانات، حشرات، پرندگان	
۱۷	مشرق زمین	sun-raise	χʊr-hałɑt	LOCATIONS	مکان‌ها	
۱۴	مسابقهٔ طناب‌کشی	rope-pull	gʊrɛs-kɛʃ	ACTIONS	کنش شامل بازی، مراسم و غیره	
۱۱	نام گیاهی است وحشی	wolf-kill	gʊrg-kʊʒ	PLANTS	گیاهان و نباتات	
۱۱	فصل شکار کبک	patridge.LNK-hunt	kaw.a-raw	TEMPORALS	زمان و اوقات	
۱۰	نوعی بیماری دام	foot-take	qoɫ-gɪr	STATES	حالات جسمی و روحی نظیر بیماری‌ها	
۷	داروی ضد انگل	worm-kill	krm-koʒ	SUBSTANCES	مواد و داروها	
۴	نوعی نان	finger-pull	pandʒa-kɛʃ	EDIBLES	مواد غذایی و اسم غذاها	
۴	کسوف	day-tak	ɽʉʒ-gĭrɑn	NATURAL PHENOMENONS	پدیده‌های طبیعی	

فراوانی	معادل فارسی	برابرنهاد مشارکین	نمونه واژه	SEM	حوزۀ مفهومی	بیان طرح‌واره
۳	رگ/ شریان	blood-carry	χwɪn-bar	LIMBS	اعضاء بدن	

با توجه به جدول بالا می‌توان به‌روشنی دریافت الگوی موردبررسی هم به لحاظ تعداد و هم تنوع معنایی دامنۀ گسترده‌ای را در بر می‌گیرد؛ لذا با این توضیح طرح‌وارۀ شمارۀ (۵) حدفاصل کلان‌طرح‌واره و ریزطرح‌واره‌های حاکم بر نمونه‌شدگی‌های مبتنی بر این الگو محسوب می‌گردد که شامل ۱۲ صورت مختلف بوده و فصل ممیز تمامی آن‌ها نیز طبقه‌های معنایی مندرج در ستون SEM می‌باشد. با این توضیح که به سبب عدم وجود دسته‌بندی حوزه‌های معنایی در گویش موردبررسی با بهره‌گیری رویکرد اکتشافی[1] معنای ارجاعی[2] هرکدام از آیتم‌های واژگانی با در نظر گرفتن عینی‌ترین معنای واژه در جامعۀ زبانی و فرهنگ‌های مرجع به صورتی که بیشترین قابلیت تعمیم را در خود داشته باشند بازشناسی و ثبت شدند.

۴-۱-۲. اسم‌های مرکب برون‌مرکز [اسم – اسم]اسم

با توجه به الگوی ترکیب می‌توان این گروه از اسم‌های مرکب برون‌مرکز را به لحاظ صوری گونۀ پیش‌نمونه[3] به حساب آورد؛ چراکه در صورت‌بندی آن‌ها دو واحد از طبقۀ اسم‌ها مشارکت دارند. این طبقه به لحاظ تعداد نیز با داشتن ۱۶۵ نمونه‌شدگی یعنی ۱۹/۵۹درصد از کل داده‌ها در ردۀ دوم فراوانی قرار دارند. شایان ذکر است که طرح‌وارۀ میانی حاکم بر اسم‌های مرکب این طبقه به صورتی است که در شمارۀ (۵) آمده است.

(5) $[[X]_{Ni}\ [Y]_{Nj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM\ ([SEM_i \mid SEM_j])]_k$

البته لازم به ذکر است که در پاره‌ای موارد از این ترکیب‌ها به‌عنوان ترکیب‌های دو هسته‌ای نیز نام برده می‌شود؛ چراکه هر دو سازۀ مشارکت‌کننده از مقوله (اسم) می‌باشند (بروهوم و مارفو، ۲۰۲۳: ۳۱).

1. Exploratory approach
2. Referential meaning
3. prototype

جدول۳- میان‌طرح‌واره و متغیرهای سطوح ریزطرح‌واره‌ای در اسم‌های مرکب برون مرکز کردی سورانی با الگوی ترکیب اجزاء $[[X]_{Ni}\ [Y]_{Nj}]_{Nk}$

فراوانی	معادل فارسی	برابرنهاد مشارکین	نمونه واژه	SEM	حوزهٔ مفهومی	میان طرح‌واره
۱۹	متحد	one-tongue	ɪak-zɛmɑn	PERSON	حوزهٔ اشخاص و امور مربوط به شخص	$[[X]_{Ni}\ [Y]_{Nj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM\ ([SEM_i \mid SEM_j])]_k$
۴۳	لباس چین‌دار	waist-pleat	kamar-tʃin	OBJECTS	اشیاء	
۲۳	نوعی مرغابی	donkey-head	kar-saɾ	CREATURES	مخلوقات: حیوانات، حشرات، پرندگان	
۹	آبخیزه‌ی وسط رودخانه	camel-water	wɛʃtɛr-ʔɑw	LOCATIONS	مکان‌ها	
۱۷	رقص مختلط زن و مرد	wheat.LNK-oat	ganm.ʊ-dʒʉ	ACTIONS	کنش شامل بازی، مراسم و غیره	
۳۱	نام گیاهی است	cow-ear	gɑ-gʉɪ	PLANTS	گیاهان و نباتات	
-	-	-	-	TEMPORALS	زمان و اوقات	
۴	نوعی بیماری زبان گاو	flower.LNK-stickle	gʊɫ.a-dɑs	STATES	حالات جسمی و روحی نظیر بیماری‌ها	
-	-	-	-	SUBSTANCES	مواد و داروها	
۱۱	نیمرو	egg.LNK-oil	hɛɫka.ʊ-rʉn	EDIBLES	مواد غذایی و اسم غذاها	
۲	برف و باران همزمان	two-share	dʉ-daŋg	NATURAL PHENOMENONS	پدیده‌های طبیعی	
۶	صورت، رخ	head-eye	sar-tʃɑw	LIMBS	اعضاء بدن	

از جدول فوق می‌توان استنباط کرد که کاهش تعداد نمونه‌شدگی‌ها در تظاهر ریزطرح‌واره‌ها نیز تأثیرگذار است؛ چراکه در این قسمت دو حوزهٔ مفهومی زمان و مواد و داروها فاقد نمونه‌شدگی بوده و به همین تناسب طرح‌وارهٔ میانی این الگو دارای ۱۰ ریزطرح‌واره می‌باشد؛ به‌عبارت‌دیگر هر ردیف خالی در جدول حاضر و جدول‌های آتی بیانگر عدم وجود واژه در این حوزهٔ مفهومی بوده و منظور از تکرار آن‌ها نیز بازنمایی موارد ممکن اما ناموجود در زبان و کمک به انسجام ذهنی خواننده در مقایسه الگوها با همدیگر می‌باشد.

۴-۱-۳. اسم‌های مرکب برون‌مرکز [اسم - صفت]اسم

نکتهٔ جالب‌توجه در این الگو وجود هستهٔ صوری (اسم) و همراهی آن با صفت در جایگاه توصیفگر است؛ با این توضیح که می‌توان مقولهٔ واژگانی ساخت را حاصل تراوش مقولهٔ هسته بر برونداد به‌حساب آورد. این الگو به لحاظ فراوانی نیز با در اختیار داشتن ۱۲۷ نمونه‌شدگی از مجموع ۸۴۲ اسم مرکب برون‌مرکز یعنی ۱۵٫۸ درصد از داده‌ها در ردهٔ سوم قرار داشته و تمامی نمونه‌شدگی‌ها به‌صورت سلسله‌مراتبی تحت حاکمیت کلان‌طرح واره، طرح‌وارهٔ میانی (۶) و ریزطرح‌واره‌های مربوط به خود قرار دارند.

$$(6)\ [[X]_{Ni}\ [Y]_{ADJj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM\ ([SEM_i \mid SEM_j])]_k$$

جدول ۴- میان‌طرح‌واره و متغیرهای سطوح ریزطرح‌واره‌ای در اسم‌های مرکب برون مرکز کردی سورانی با الگوی ترکیب اجزاء $[[X]_{Ni}\ [Y]_{ADJj}]_{Nk}$

فراوانی	معادل فارسی	برابرنهاد مشارکین	نمونه واژه	SEM	حوزهٔ مفهومی	میان طرح‌واره
۴۵	غاصب	hand-longish	das-drɛʒ	PERSON	حوزهٔ اشخاص و امور مربوط به شخص	$[[X]_{Ni}\ [Y]_{ADJj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM\ ([SEM_i \mid SEM_j])]_k$
۳	ظرفی که یک طرفش شکسته باشد	side-broken	lɑ-ʃkɑw	OBJECTS	اشیاء	
۲۹	کفشدوزک	calf-red	gwɪraka-sʊra	CREATURES	مخلوقات: حیوانات، حشرات، پرندگان	
-	-	-	-	LOCATIONS	مکان‌ها	
۴	عروسی	job.LNK-good	kɑɾ-ɪ.χɪɛɾ	ACTIONS	کنش شامل بازی، مراسم و غیره	
۲۳	گیاه خارخاسک	foot-short	pɛ-kʊɫ	PLANTS	گیاهان و نباتات	
۱	غروب	sun.LNK-yellow	χʊr.a-zard	TEMPORALS	زمان و اوقات	
۱۳	بیماری آماس گردن	neck.LNK-fat	ml.a-χɽa	STATES	حالات جسمی و روحی نظیر بیماری‌ها	
-	-	-	-	SUBSTANCES	مواد و داروها	

فراوانی	معادل فارسی	برابرنهاد مشارکین	نمونه واژه	SEM	حوزهٔ مفهومی	میان طرح‌واره
–	–	–	–	EDIBLES	مواد غذایی و اسم غذاها	
۵	رنگین کمان	hair-golden	palk.a-zɛrïn-a	NATURAL PHENOMENONS	پدیده‌های طبیعی	
۴	برآمدگی قوزک پا	pot.LNK-stiff	qap.a-ɽaqa	LIMBS	اعضاء بدن	

با نظر به جدول بالا می‌توان دریافت این میان طرح‌واره بر ۹ ریزطرح‌واره یعنی طبقات معنایی به همین تعداد تسلط دارد. برای مثال اسم dʊ-bɽɑw در زبان کردی ترکیبی است با الگوی $[N\text{-}Adj]_N$ و ترکیب معنایی [[دم]~اسم~ – [بریده]~صفت~]~اسم~ که در واقع مرجع آن در خارج از ساخت و نوعی «عقاب» است، در واقع کل ساخت بیانگر ویژگی هستاری است که در جایگاه فراترکیب قرار گرفته و در زبان برای اشاره به همان مرجع (نوعی عقاب دم کوتاه) واژگانی شده است.

۴-۱-۴. اسم‌های مرکب برون‌مرکز [حرف‌اضافه - اسم]~اسم~

چهارمین الگو در صورت‌بندی اسم‌های مرکب کردی سورانی به توالی $[[PREP - N]_N]$ تعلق دارد که به سبب حضور اسم در پایانهٔ ساخت می‌توان طبقهٔ واژگانی ساخت حاصل را به تراوش مقولهٔ موردنظر به کل ساخت نسبت داد. علت قرار گرفتن این الگو در این رده نیز به سبب تعداد نمونه‌شدگی‌های آن است. بدین ترتیب که این توالی به علت تظاهر در ۶۹ نمونه‌شدگی از مجموع ۸۴۲ مورد نسبتی در حدود ۸٫۱ درصد کل داده‌ها را به خود اختصاص داده است؛ به‌عبارت‌دیگر با توجه به مقولهٔ واژگانی اجزاء مشارکت‌کننده در ترکیب می‌توان تمامی نمونه‌شدگی‌های موجود در این طبقه را ذیل میان طرح‌وارهٔ (۷) و ریزطرح‌واره‌های مرتبطی که در حدفاصل این دو قرار دارند جای داد.

(7) $[[X]_{PREPi}\ [Y]_{Nj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM\ ([SEM_i \mid SEM_j])]_k$

جدول ۵- میان‌طرح‌واره و متغیرهای سطوح ریزطرح‌واره‌ای در اسم‌های مرکب برون مرکز کردی سورانی با الگوی ترکیب اجزاء $[[X]_{PREPi}\ [Y]_{Nj}]_{Nk}$

فراوانی	معادل فارسی	برابرنهاد مشارکین	نمونه واژه	SEM	حوزهٔ مفهومی	میان‌طرح‌واره
۳۸	نوزادی که از زنی جز مادر خودش شیر خورد	side-breast	lɑ -mamk	PERSON	حوزهٔ اشخاص و امور مربوط به شخص	$[[X]_{PREPi}\ [Y]_{Nj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM\ ([SEM_i \mid SEM_j])]_k$
۹	جانماز	front-house	bar-mɑł	OBJECTS	اشیاء	
۵	گاو شیرده	with/possession-udder	ba-gwɑn	CREATURES	مخلوقات: حیوانات، حشرات، پرندگان	
۹	محل آفتاب‌گیر	front.LNK-sun	bar.a-tɑw	LOCATIONS	مکان‌ها	
-	-	-	-	ACTIONS	کنش شامل بازی، مراسم و غیره	
-	-	-	-	PLANTS	گیاهان و نباتات	
۵	ماه ذی‌القعده	in-ceremonies	nɑw-dʒɛʒnɑn	TEMPORALS	زمان و اوقات	
-	-	-	-	STATES	حالات جسمی و روحی نظیر بیماری‌ها	
-	-	-	-	SUBSTANCES	مواد و داروها	
-	-	-	-	EDIBLES	مواد غذایی و اسم غذاها	
	-	-	-	NATURAL PHENOMENONS	پدیده‌های طبیعی	
۳	اعضاء داخل شکمی	in-stomach	nɑw-zɛk	LIMBS	اعضاء بدن	

در این بخش نیز دیده شد که با کاهش تعداد نمونه‌شدگی‌ها و به تبع آن ریزطرح‌واره‌ها نیز به تناسب کمتر می‌شوند. بدین ترتیب که در این الگو ۶ ریزطرح‌وارهٔ منشعب از طرح‌وارهٔ فوقانی قابل تشخیص است.

۴-۱-۵. اسم‌های مرکب برون‌مرکز [صفت - اسم]اسم

پنجمین و در واقع آخرین الگوی ساختی که در صورت‌بندی آن یک اسم شرکت دارد، توالی $[ADJ - N]_N$ است که ۵۹ نمونه‌شدگی یعنی ۷ درصد از کل را تحت حاکمیت خود دارد. همان‌گونه که در پیکربندی میان‌طرح‌وارهٔ (۸) نیز می‌توان دید در این توالی صفت در آغازهٔ ساخت و اسم در پایانهٔ آن تظاهر می‌یابد.

(8) $[[X]_{ADJi}\ [Y]_{Nj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM\ ([SEM_i \mid SEM_j])]_k$

جدول ۶- میان‌طرح‌واره و متغیرهای سطوح ریزطرح‌واره‌ای در اسم‌های مرکب برون مرکز کردی سورانی با الگوی ترکیب اجزاء $[[X]_{ADJi}\ [Y]_{Nj}]_{Nk}$

فراوانی	معادل فارسی	برابرنهاد مشارکین	نمونه واژه	SEM	حوزهٔ مفهومی	میان‌طرح‌واره
۲۲	عیالوار	heavy-load	grɑn-bɑɾ	PERSON	حوزهٔ اشخاص و امور مربوط به شخص	$[[X]_{ADJi}\ [Y]_{Nj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM\ ([SEM_i \mid SEM_j])]_k$
7	دیوار سنگ چین بدون ملاط	dry.LNK-stone	wɛʃk.a-bard	OBJECTS	اشیاء	
۱۶	کره اسب تازه زین شده	new-saddle	nʊ-zɪn	CREATURES	مخلوقات: حیوانات، حشرات، پرندگان	
۳	زمین غرق شده در آب	hidden.LNK-water	nʊqm.a-ʔaw	LOCATIONS	مکان‌ها	
2	اولین عید پس از مرگ شخص	new-ceremony	nʊ-dʒɛʒn	ACTIONS	کنش شامل بازی، مراسم و غیره	
۴	گیاهی با ریشه‌ی قرمزرنگ	red.LNK-root	sʉra-bna	PLANTS	گیاهان و نباتات	
۲	زمان قبل از طلوع آفتاب	new-life	nʉ-ʒɪɑn	TEMPORALS	زمان و اوقات	
۱	نوعی بیماری چشم	green-water	sawz-ʔɑw	STATES	حالات جسمی و روحی نظیر بیماری‌ها	
-	–	–	–	SUBSTANCES	مواد و داروها	
۲	غذای شور	salty-salt	sʉɫ-χwɑ	EDIBLES	مواد غذایی و اسم غذاها	

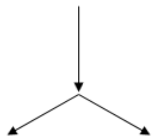
فراوانی	معادل فارسی	برابرنهاد مشارکین	نمونه واژه	SEM	حوزهٔ مفهومی	بیان طرحواره
–	–	–	–	NATURAL PHENOMENONS	پدیده‌های طبیعی	
–	–	–	–	LIMBS	اعضاء بدن	

یکی از مشخصه‌های این طبقه از اسم‌های مرکب که در بسیاری از نمونه‌شدگی‌ها تظاهر می‌یابد سببیت نهفته در ذات این گروه است. بدین ترتیب که کل ساخت می‌تواند تظاهرات عینی اسمی تلقی گردد که بر آن دلالت دارد. برای درک بهتر موضوع می‌توان از مثال (a) کمک گرفت:

a. bɑl.a-ʃʊɾa

[[wing]N [droped]N]N

[[bɑl]Ni [ʃʊɾa]Adj-j]Nk ↔ [State CAUSE bird's ([wingsi | dropj])]k



[[بیماری ماکیان] سبب/علامت [افتادگی] [بال]]

بدین ترتیب که این اسم‌ها با قرار گرفتن در لوای الگوی N[[N]-[Adj]] به عاملی اشاره دارند که منجر به وضعیت حاضر می‌شوند، به‌عبارت‌دیگر بیماری (درج شده در جزء فراترکیب) علت بروز نشانهٔ مذکور در هستار مبتلا (پرنده) تلقی می‌گردد.

۴-۲. اسم‌های مرکب برن‌مرکز فاقد هستهٔ صوری

آنگونه که پیشتر نیز توضیح داده شد، اسم‌های مرکب با الگوی ترکیب [قید – فعل]اسم و [صفت – صفت]اسم به سبب عدم دخالت جزء اسمی در پیکربندی‌شان ذیل عنوان اسم‌های مرکب برون‌مرکز فاقد هستهٔ صوری موردبررسی قرار می‌گیرند. باوئر (۲۰۱۰) از نمونه‌شدگی‌هایی با این مشخصه ذیل عنوان اسم‌های مرکب تغییرمقوله[1] نام می‌برد، بدین معنی که هردو جزء مشارکت‌کننده در ساخت مقولهٔ واژگانی خود را از دست داده و درنهایت حاصل پیوند این دو جزء

1. transpositional

منجر به صورت‌بندی واژه‌ای از مقولهٔ اسم می‌شود.

۴-۲-۱. اسم‌های مرکب برون‌مرکز [قید - فعل]اسم

اولین صورت‌بندی اسم‌های مرکب فاقد جزء اسمی ترکیب‌هایی با توالی$[[ADV]-[V]]_N$ هستند که ضمن تظاهر در ۱۴ نمونه‌شدگی با ۱٫۵۴ درصد از کل در ردهٔ ششم فراوانی قرار دارند. با این توضیح میان‌طرح‌وارهٔ حاکم بر این اسم‌ها به ترتیب (۹) و شرح ریزطرح‌واره‌های آن نیز به‌صورت جدول ذیل می‌باشد.

(9) $[[X]_{ADVi}\ [Y]_{Vj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM\ ([SEM_i \mid SEM_j])]_k$

جدول ۷- میان‌طرح‌واره و متغیرهای سطوح ریزطرح‌واره‌ای در اسم‌های مرکب برون مرکز کردی سورانی با الگوی ترکیب اجزاء $[[X]_{ADVi}\ [Y]_{Vj}]_{Nk}$

فراوانی	معادل فارسی	برابرنهاد مشارکین	نمونه واژه	SEM	حوزهٔ مفهومی	میان طرح‌واره
۱۰	پرحرف	very-say	zʊr-bɛʒ	PERSON	حوزهٔ اشخاص و امور مربوط به شخص	$[[X]_{ADVi}\ [Y]_{Vj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM\ ([SEM_i \mid SEM_j])]_k$
-	-	-	-	OBJECTS	اشیاء	
۱	اسب تعلیم‌ندیده	dry.LNK-go	wɛʃk.a-ɽʉ	CREATURES	مخلوقات: حیوانات، حشرات، پرندگان	
۱	مسیر میان‌بر	half.LNK-cut	nɪw.a-bɽ	LOCATIONS	مکان‌ها	
-	-	-	-	ACTIONS	کنش شامل بازی، مراسم و غیره	
۲	میوه‌ی کال چیده‌شده	unripe-pick	kaɫ-kan	PLANTS	گیاهان و نباتات	
-	-	-	-	TEMPORALS	زمان و اوقات	
-	-	-	-	STATES	حالات جسمی و روحی نظیر بیماری‌ها	
-	-	-	-	SUBSTANCES	مواد و داروها	
-	-	-	-	EDIBLES	مواد غذایی و اسم غذاها	
-	-	-	-	NATURAL PHENOMENONS	پدیده‌های طبیعی	
-	-	-	-	LIMBS	اعضاء بدن	

بدین ترتیب ششمین طبقه از اسم‌های مرکب برون‌مرکز کردی سورانی دارای الگوی توالی [[قید] [فعل]]اسم هستند

که در آن‌ها جزء فعلی و توصیف‌گری از نوع قید شرکت دادشته و چگونگی یا کمیت انجام عمل مورد اشاره در ساخت را به جزءفراترکیب نسبت می‌دهد.

۴-۲-۲. اسم‌های مرکب برون‌مرکز [صفت - صفت]اسم

دومین الگوی ذیل نام ترکیب‌های فاقد جزء هسته یا تغییرمقوله در اسم‌های مرکب برون‌مرکز کردی سورانی نمونه‌شدگی‌هایی با توالی $[ADJ - ADJ]_N$ هستند. این طبقه با داشتن ۱۳ نمونه‌شدگی و ۱/۴۳ درصد کمترین فراوانی را دارد. البته لازم به ذکر است این ترکیب‌ها نیز علیرغم عدم وجود هستۀ صوری جزو ترکیب‌های اسمی محسوب شده و می‌توان آن‌ها را در قالب طرح‌وارۀ ذیل (۱۰) این‌چنین بازنمایی کرد:

$$(10)\ [[X]_{ADJi}\ [Y]_{ADJj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM\ ([SEM_i \mid SEM_j])]_k$$

در واقع ترکیب‌های برون‌مرکز و به‌صورت مشخص‌تر در این طبقه از ترکیب‌ها هسته همان هستۀ معنای محذوفی است که در جزء فراترکیب و به عبارتی در لایۀ مفهومی پنهان کدگذاری شده اما به‌واسطۀ قراردادی شدن ترکیب موردنظر در زبان مشخصاً به آن هستار دلالت دارد.

جدول ۸- میان‌طرح‌واره و متغیرهای سطوح ریزطرح‌واره‌ای در اسم‌های مرکب برون مرکز کردی سورانی با الگوی ترکیب اجزاء $[[X]_{ADJi}\ [Y]_{ADJj}]_{Nk}$

فراوانی	معادل فارسی	برابرنهاد مشارکین	نمونه واژه	SEM	حوزۀ مفهومی	میان طرح‌واره
۲	خل و گیج و منگ	lame.LNK-mad	ʃal-ʊ.ʃɛt	PERSON	حوزۀ اشخاص و امور مربوط به شخص	$[[X]_{ADJi}\ [Y]_{ADJj}]_{Nk} \leftrightarrow [SEM\ ([SEM_i \mid SEM_j])]_k$
–	–	–	–	OBJECTS	اشیاء	
۸	پرنده‌ی سبزقبا	green-blue	sawz-kaw	CREATURES	مخلوقات: حیوانات، حشرات، پرندگان	
۲	چاله‌ی پوشیده از خاشاک	alive.LNK-dead	zɪnda-ʊ.mɛrda	LOCATIONS	مکان‌ها	
-	–	–	–	ACTIONS	کنش شامل بازی، مراسم و غیره	
۱	گیاهی است بدبو با برگهای زردرنگ	smelly-yellowish	ganka-zarda	PLANTS	گیاهان و نباتات	
-	–	–	–	TEMPORALS	زمان و اوقات	

فراوانی	معادل فارسی	برابرنهاد مشارکین	نمونه واژه	SEM	حوزۀ مفهومی	میان طرحواره
-	–	–	–	STATES	حالات جسمی و روحی نظیر بیماری‌ها	
-	–	–	–	SUBSTANCES	مواد و داروها	
-	–	–	–	EDIBLES	مواد غذایی و اسم غذاها	
–	–	–	–	NATURAL PHENOMENONS	پدیده‌های طبیعی	
–	–	–	–	LIMBS	اعضاء بدن	

همان‌گونه که گفته شد باوئر (۲۰۱۰) دو گروه پایانی دسته‌بندی موجود را به‌سبب عدم مطابقت مقولۀ واژگانی سازه‌های مشارکت‌کننده در ساخت و مقولۀ برونداد از آن‌ها با عنوان ترکیب‌های تغییرمقوله نام می‌برد، به این معنا که هیچ‌کدام از آن‌ها عضو طبقۀ اسم‌ها به‌حساب نمی‌آیند اما کل سازه دال بر مفهومی از طبقۀ اسم‌ها محسوب می‌گردد. در کردی سورانی دو الگوی [صفت - صفت]اسم و [صفت - فعل]اسم جزو این دسته از اسم‌های مرکب هستند.

نکتۀ جالب توجه در تحلیل ترکیب‌های اسمی این گروه تخصیص هر دو سازۀ دارای تظاهر عینی به‌مثابه توصیف‌گری برای هستار خارج از ساخت تفسیر می‌گردد؛ به‌عبارت‌دیگر گویی کل ساخت توصیف‌گری برای جزء فراترکیب بوده که به‌واسطۀ استعمال موصوف حذف شده باشد. با این توصیف توالی سه بخشی شامل هسته/ موصوف و دو صفت متوالی برای توضیح آن به دو بخش تقلیل یافته است. به بیان دیگر می‌توان چنین به قضیه نگریست که در این ساخت‌ها هم‌آیی دو صفت بیانگر این معنای ضمنی است که اجتماع این دو مشخصه در یک مرجع اسمی است پس اهل‌زبان نیز نه به‌خاطر صرف قراردادی شدن کلمه در واژگان ذهنی بلکه با اتکا بر این همایندی این ویژگی‌ها برای برای اشاره به اسم خارج از ساخت معنای آن‌ها را استنباط می‌کنند.

۵- بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف توصیف الگوهای ترکیب، تفسیر روابط معنایی میان اجزاء و دسته‌بندی اسم‌های مرکب برون‌مرکز، درصدد گشایش فصل نوینی از تحلیل واژه‌های موردبررسی در کُردی سورانی به انجام رسید تا بتوان از نتایج حاصل در دست‌یابی به نظام طرحواره‌ای حاکم بر اسم‌های مرکب برون‌مرکز و بازنمایی سلسله‌مراتب واژگانی[1] نزد گویشور کردی سورانی بهره برد. با این توضیح جستار حاضر توانست براساس ۸۴۲ اسم مرکب برون‌مرکز از

1. hierarchial lexicon

مجموع ۱۴۰۰ ترکیب اسمی به ۵۴ ریزطرحواره، هفت طرحواره‌های میانی و یک کلان‌طرحواره که به‌صورت سلسله‌مراتبی بر تمامی این طبقه از ترکیب‌ها حاکمیت دارند دست یابد. لذا با استفاده از یافته‌های پژوهش می‌توان نظام طرحواره‌ای حاکم بر اسم‌های برون‌مرکز کردی سورانی را در قالبی این‌چنینی ترسیم کرد:

جدول ۱- نظام طرحوارگی حاکم بر اسم‌های مرکب برون‌مرکز کردی سورانی

$[[X]_{Ai}\ [Y]_{Bj}]_{Nk} \leftrightarrow$ [SEM ([SEM$_i$ | SEM$_j$])]$_k$								
	[[X]ADJi [Y]ADJj]Nk ↔ [SEM ([SEMi | SEMj])]k	[[X]ADVi [Y]Vj]Nk ↔ [SEM ([SEMi | SEMj])]k	[[X]ADJi [Y]Nj]Nk ↔ [SEM ([SEMi | SEMj])]k	[[X]PREPi [Y]Nj]Nk ↔ [SEM ([SEMi | SEMj])]k	[[X]Ni [Y]ADJj]Nk ↔ [SEM ([SEMi | SEMj])]k	[[X]Ni [Y]Nj]Nk ↔ [SEM ([SEMi | SEMj])]k	$[[X]_{Ni}\ [Y]_{Vj}]_{Nk} \leftrightarrow$ [SEM ([SEM$_i$ | SEM$_j$])]$_k$	فراوانی
[PERSON ([SEM$_i$ | SEM$_j$])]$_k$	۲	۱۰	۲۲	۳۸	۴۵	۱۹	۲۱۷	۳۵۳
[OBJECTS ([SEM$_i$ | SEM$_j$])]$_k$	-	-	۷	۹	۳	۴۳	۶۵	۱۲۷
[CREATURES ([SEM$_i$ | SEM$_j$])]$_k$	۸	۱	۱۶	۵	۲۹	۲۳	۳۲	۱۱۴
[PLANTS[SEM$_i$ | SEM$_j$])]$_k$	۱	۲	۴	-	۲۳	۳۱	۱۱	۷۲
[LOCATIONS ([SEM$_i$ | SEM$_j$])]$_k$	۲	۱	۳	۹	-	۹	۱۷	۴۱
[ACTIONS ([SEM$_i$ | SEM$_j$])]$_k$	-	-	۲	-	۴	۱۷	۱۴	۳۷
[STATES ([SEM$_i$ | SEM$_j$])]$_k$	-	-	۱	-	۱۳	۴	۱۰	۲۸
[TEMPORALS ([SEM$_i$ | SEM$_j$])]$_k$	-	-	۲	۵	۱	-	۱۱	۱۹
[EDIBLES ([SEM$_i$ | SEM$_j$])]$_k$	-	-	۲	-	-	۱۱	۴	۱۷
[LIMBS ([SEM$_i$ | SEM$_j$])]$_k$	-	-	-	۳	۴	۶	۳	۱۶
[NATURAL PHENOMENONS ([SEM$_i$ | SEM$_j$])]$_k$	-	-	-	-	۵	۲	۴	۱۱
[[SUBSTANCES ([SEM$_i$ | SEM$_j$])]$_k$	-	-	-	-	-	-	۷	۷
TOTAL NUMBER OF THE COLUMN	۱۳	۱۴	۵۹	۶۹	۱۲۷	۱۶۵	۳۹۵	۸۴۲

شایان ذکر است اسم‌های مرکب کردی سورانی به لحاظ معنایی در قالب ۱۲ حوزهٔ مفهومی قابل دسته‌بندی هستند. البته در قالب تحلیل‌های انجام گرفته مشخص شد که حوزه‌های مفهومی دوازده‌گانهٔ فوق در اصطلاح جزو امکانات معنایی ترکیب در کردی سورانی محسوب می‌شوند؛ اما با توجه به نمونه‌شدگی‌های موجود می‌توان گفت که هر طرحوارهٔ میانی طیف متنوعی از این واژه‌های ممکن را برگزیده و مورد استفاده قرار داده است. بدین ترتیب که در

بیشینه‌ترین حالت یک طرحواره تمامی این حوزه‌ها را در خود دارد و در کمینه‌ترین حالت دو طرحواره تنها از چهار مورد بهره برده‌اند. البته بایستی این نکته را نیز خاطرنشان کرد که تمامی اسم‌های مرکب برون‌مرکز کردی سورانی به نوعی با مفاهیم و حوزه‌های عینی و ملموس در ارتباط بوده و امور انتزاعی در این سیاهه جایی ندارند. البته تنوع و تکرار حوزه‌های مفهومی نیز در بطن خود ویژگی‌های منحصر به فردی را نیز دارند؛ برای نمونه ریزطرحواره‌های دال بر مفهوم انسان و عوامل انسانی در تمامی هفت سطح میانی دارای نمونه‌شدگی‌هایی می‌باشد، حال آنکه این عمومیت قابل تعمیم به کل نبوده و مواردی همچون مواد و داروها جز در یک طرحواره فرصت حضور پیدا نکرده‌اند. از دیگر موارد قابل‌توجه بحث وراثت[1] در پیکربندی ترکیب‌های اسمی در زبان کردی است؛ بدین ترتیب که ساخت مرکب مشخصه‌های صوری و معنایی خویش را از طرحوارهٔ مسلط بر خویش به ارث می‌برد و نه از اجزائی که صورت‌بندی آن مشارکت دارند؛ چراکه در غیر این صورت طبقهٔ واژگانی ترکیب‌های تغییرمقوله قابل توجیه نیست؛ زیرا در این‌صورت بایستی حاصل ترکیب اجزاء $[ADJ – ADJ]_N$ و $[ADV- V]_N$ به ترتیب یک صفت یا قید و فعل می‌بود؛ درحالی‌که دیدیم مقولهٔ واژگانی نمونه‌شدگی‌های برآمده از این الگوها واژه‌ای از طبقهٔ اسم به‌حساب می‌آمد. لازم به ذکر است که این استدلال را می‌توان نقیضی بر اصل ترکیب‌پذیری[2] نیز به حساب آورد و تأییدی بر این ادعا در صرف ساختی دانست که ترکیب‌پذیری نه‌تنها در ترکیب‌های برون‌مرکز بلکه در تحلیل معنایی اسم‌های درون‌مرکز نیز محلی از اعراب نداشته و واژه‌های مرکب مشخصه‌های صوری و معنایی خویش را از طرحوارهٔ حاکم بر خود به ارث می‌برند.

1. inheritance
2. compositionality

کتابنامه

ایمانی، آوا؛ رفیعی، عادل؛ عموزاده، محمد. (۱۳۹۷). تحلیلی ساخت محور از ترکیبات نام اندام «دل» در زبان فارسی. پژوهش‌های زبانی. ۹(۲). ۲۳-۴۳.

DOI: 10.22059/jolr.2018.69527

ایمانی، آوا؛ رفیعی، عادل. (۱۳۹۸). تحلیلی ساخت محور از ترکیبات نام اندام «سر» در زبان فارسی. زبان پژوهی. ۱۱(۳۳). ۱۲۹-۱۵۹.

DOI: 10.22051/jlr.2018.19239.1506

ایمانی، آوا؛ رفیعی، عادل. (۱۳۹۸). چندمعنایی ترکیبات «چشم» در زبان فارسی: رویکرد صرف ساختی. زبان شناسی و گویش‌های خراسان (مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد). ۱۱(۲ (پیاپی ۲۱)). ۱۱۵-۱۴۰.

DOI: 10.22067/jlkd.2019.39335

بامشادی، پارسا؛ انصاریان، شادی. (۱۳۹۹). نقش طرح‌واره‌های مرتبه دوم در تحلیل ساختارهای [اسم + شناسی/ نگاری/ کاوی] و صفت‌های متناظر آن‌ها در زبان فارسی. جستارهای زبانی. ۱۱(۱ (۵۵)). ۳۰۱-۳۲۸.

بهرامی خورشید، سحر؛ یزدانی مقدم، روزبهان. (۱۴۰۰). چندمعنایی در ترکیب‌های دارای ساخت [X be-VPRES]: تحلیلی در چارچوب نظری صرف ساخت. پژوهش‌های زبانی. ۱۲(۱). ۲۷-۴۷.

بهرامی خورشید، سحر؛ قندی، سعیده. (۱۳۹۹). بررسی واژه‌های مشتق مختوم به پسوند «آر» در زبان فارسی از منظر صرف ساخت. پژوهش‌های زبانی. ۱۱(۱). ۲۵-۴۸.

DOI: 10.22059/jolr.2020.264867.666402

بهرامی خورشید، سحر؛ نامداری، اسما. (۱۳۹۸). بررسی افعال پیشوندی در زبان فارسی ازمنظر صرف ساخت. مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران. ۷(۲۵). ۳۵-۵۵.

DOI: 10.22126/JLW.1970.1072

دیوانی سنندج، نسترن؛ قطره، فریبا. (۱۴۰۲). تصریف فعل در کُردی سنندجی در چارچوب ساختواژ ساختی. مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران. ۱۱ (۲). صص ۱۹-۱.

DOI: 10.22126/JLW.2023.8471.1669

رزمدیده، پریا؛ شاهی راویز، محمدحسن. (۱۴۰۰). بررسی چندمعنایی فعل‌های مرکب فارسی با همکرد گرفتن بر اساس نظریه صرف ساختی. زبان شناسی گویش‌های ایرانی. ۶(۲ (پیاپی ۹)). ۲۱۳-۲۵۲.

DOI: 10.22051/jlr.2022.40384.2177

رفیعی، عادل؛ ترابی، سارا (۱۳۹۳). وراثت و انگیختگی رابطهٔ صورت و معنی در واژگان: نمونه‌هایی از واژه‌سازی زبان فارسی. علم زبان: سال ۲. شماره ۳. پاییز و زمستان ۱۳۹۳

DOI: 10.22054/ls.2014.3105

رفیعی، عادل؛ رضایی، حدائق. (۱۳۹۸). ساخت اسامی مشتق از پسوند «-گر» از منظر صرف ساختی. جستارهای زبانی. ۱۰(۳ (پیاپی ۵۱)). ۷۱-۹۴.

DOI: 20.1001.1.23223081.1398.10.3.4.0

شاهوردی شهرکی، فاطمه؛ کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیه؛ دبیرمقدم، محمد؛ گلفام، ارسلان. (۱۳۹۸). دوگان سازی فعل در زبان فارسی در رویکرد صرف ساخت. مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران. ۷(۲۶). ۷۳-۸۹.

DOI: 20.1001.1.23452579.1398.7.3.5.2

شرفکندی، عبدالرحمن. (۱۳۶۹). فرهنگ کردی-کردی و کردی-فارسی: هه‌نبانه‌بورینه. تهران: انتشارات سروش.

صفری، علی؛ نیک نسب، لیلا. (۱۳۹۹). تحلیلِ واژه‌سازی زبان فارسی بر اساس نظریه صرف ساخت بنیاد: شواهدی از کلمات مرکب. زبان پژوهی. ۱۲(۳۶). ۱۶۵-۱۸۶.

DOI: 10.22051/JLR.2019.24205.1645

عباسی، زهرا. (۱۳۹۶). واژه‌های غیربسیط فارسی در صرف ساختی و صرف واژگانی. دو ماهنامهٔ جستارهای زبانی. دورهٔ ۸ شمارهٔ ۳. صص: ۹۳-۶۷.

عظیم دخت، ذلیخا؛ رفیعی، عادل؛ رضایی، حدائق. (۱۳۹۷). تنوعات معنایی واژه‌های مرکب مختوم به ستاک حال «یاب» در زبان فارسی: رویکرد صرف ساختی. پژوهش‌های زبان شناسی. ۱۰(۲ (پیاپی ۱۹)). ۸۳-۱۰۱.

DOI: 10.22108/JRL.2018.109178.1157

عظیم‌دخت، ذلیخا؛ رفیعی، عادل. (۱۳۹۸). واژه‌های مرکب مختوم به ستاک حال «پز» با مفهوم عامل محور ازمنظر صرف ساختی. پژوهش‌های زبان شناسی تطبیقی. ۹(۱۷). ۱۹-۴۵.

DOI: 10.22084/RJHLL.2018.15816.1808

کریمی، کورش. نجفیان، آرزو. مهدی بیرقدار، راضیه و حسینی معصوم، سید محمد. (۱۴۰۲). بازخوانی مفهوم ترکیب در ساختواژه کردی سورانی: بررسی اسم‌های مرکب درون‌مرکز با رویکرد صرف ساختی. ***مطالعات زبان‌ها و گویش‌های غرب ایران***. دورهٔ ۱۲. شمارهٔ ۱.

DOI: 10.22126/JLW.2023.9211.1704

مردوخ‌روحانی، ماجد (۱۳۹۳). فرهنگ فارسی - کردی دانشگاه کردستان. سنندج: انتشارات دانشگاه کردستان.

Refferences

Aikhenvald, Alexandra Y. (2007). Typological distinctions in word-formation. *In T. Shopen (ed.), Language typology and syntactic description Vol. III: Grammatical categories and the lexicon* (1-65). Cambridge: Cambridge University Press.

Appah, Clement. (2017). Exocentric compounds in Akan. *WORD Structure*. 10 (2), 139- 172. DOI: 10.3366/word.2017.0106

Bauer, Laurie. (2010). The typology of exocentric compounds. *In S. Scalise & I. Vogel (eds.),*

Cross-disciplinary issues in compounding (167-175). Amsterdam/Philadelphia: John Benjamins Publishing Company.
DOI: 10.1075/cilt.311.14bau

Blau, J. (2000). *Manuel De Kurde: Sorani*. Editions L'Harmattan.

Booij, G. (2010). *Construction Morphology*. Oxford University Press.

Booij, Geert E. (2002). *The Morphology of Dutch*. Oxford: Oxford University Press.

Booij, Geert E. (2007a). Construction Morphology and the Lexicon. *In Selected proceedings of the 5th Décembrettes: Morphology in Toulouse (eds) F. Montermini, G. Boyé & N. Hathout*. Cascadilla Proceedings Project. Toulouse: Cascadilla.

Booij, Geert E. (2007b). The grammar of words: an introduction to linguistic morphology. Oxford: Oxford University Press.

Broohm, O. N., & Marfo, C. O. (2023). Noun-noun compounding in Esahie. *Ghana Journal of Linguistics*, *12*(3).
DOI: 10.4314/gjl.v12i3.2

Dressler, Wolfgang U. (2006). Compound types. *In G. Libben & G. Jarema (eds.), The representation and processing of compound words* (23-44). Oxford: Oxford University Press.
DOI: 10.1093/acprof:oso/9780199228911.003.0002

Fatah, A., & Hamawand, Z. (2014). A prototype approach to kurdish prefixes. *International Journal on Studies in English Language and Literature (IJSELL) Volume*, *2*, 37-49.

Fromkin, Victoria, R. Rodman, P. Collins & D. Blair. (1996). *An Introduction to Language*. Sydney: Harcourt Brace.

Goldberg, A. E. (2009). Constructions Work. *Cognitive Linguistics*, *20*(1), 201-224.
DOI: 10.1515/COGL.2009.013

Hamawand, Z. (2011). Morphology In English: Word Formation In Cognitive Grammar. A&C Black.

Jackendoff, Ray S. (2009). The Parallel Architecture and Its place in Cognitive Science. *In B. Heine & H. Narrog (eds.), Oxford Handbook of Linguistics Analysis* (583-605). Oxford: Oxford University Press.
DOI: 10.1093/oxfordhb/9780199677078.013.0023

Jackendoff, Ray. (2009). 'The Ecology of English Noun-Noun Compounds',inMeaning and the Lexicon: The Parallel Architecture, 1975–2010. Oxford University Press, pp. 413–451.

Karacan, H. and Khalid, H. S. (2016). Adjectives in Kurdish language: Comparison between dialects. *International Journal of Kurdish Studies*, 2(2).

Katamba, Francis X. (1993). *Morphology*. Basingstoke: Macmillan.

Libben, Gary. (2010). Compound Words, Semantic Transparency, and Morphological Transcendence. *Linguistische Berichte*. 17. 317-330.

Mardukh Ruhani, M., Sanandaji, M, Pashabadi, Y and Karimyan, M. (2006). *Kurdish Persian dictionary* (3 Vols.). Sanandaj: Kurdestan University press (In persian).

McCarus, E. M. (2007). Kurdish morphology. *Morphologies of Asia and Africa*, 2:1021–1049.

Scalise, Sergio & Guevara, Emiliano. (2006). Exocentric compounding in a typological framework. *Lingue e Linguaggio*.

DOI: 10.1418/23143

Smith, B. C. (2014). Compounding And Incorporation in The Ket Language: Implications for A More Unified Theory of Compounding, Dissertation for Master of Arts, University of Kentucky.

Stekauer, Pavol, Salvador Valera & L via Körtv lyessy. (2012). *Word-Formation in the World's Languages: A typological survey*. Cambridge: Cambridge University Press.

Walther, G. (2012). Fitting into morphological structure: accounting for Sorani Kurdish endoclitics. In *Mediterranean Morphology Meetings*, volume 8, pages 299–321. DOI: 10.26220/mmm.2437.